
زیباییِ بی‌پیرایه
به رسمیت شناختن زنان تپل

مقدمه

در جهانی که قالب‌های از پیش تعیین‌شده برای زیبایی، نقشی چکش‌خوار و گاه ستمگر یافته‌اند، بدن‌هایی که از این قالب سرپیچی می‌کنند اغلب به حاشیه رانده می‌شوند. در این میان زنان تپل با آن انحنای فرحبخش و قامتی که گویی از آغوش زمین برکشیده شده‌اند سخت‌تر از دیگران طعم طرد و نگاهِ تحقیرآمیز را چشیده‌اند. اما حقیقت این است که این زنان نه تنها نقصی ندارند بلکه دارایيِ نادری از جنسِ هستی‌اند. این مقاله کوششی است صادقانه برای بازگرداندن آینه به دست آنان تا خود را چنانکه هستند بنگرند بی‌بدیل، باشکوه و سرشار از ظرفیتی که در کالبدهای معمولی کمتر یافت می‌شود

یکتاییِ محض: تپل بودن به مثابه امضای هستی

هر زن تپل، همچون یک اثر هنری اصیل، اثری ازمنحصربه‌فرد بودن را بر تن دارد.

در عصری که صنعت مد و رسانه کوشیده است اندام‌های یکسان را به عنوان نرمال جا بزنند، بدنِ درشت‌تر از حد متعارف، همچون اعتراضی نرم و خودآگاه به این هژمونی یکنواخت می‌ماند. خطوطِ این بدن، حجم و عمق آن، روایتی متفاوت از زن بودن را بازگو می‌کند روایتی که در آن قدرت، نرمی، فراخی و حضورِ فیزیکیِ تأثیرگذار همزمان جمع شده‌اند. یک زن تپل هرگز با زن دیگر اشتباه گرفته نمی‌شود چرا که هر منحنی، هر فرورفتگی و برجستگیِ او، نشانی از سرگذشت، ژنتیک و سبک زندگیِ خاص خودش را حمل می‌کند. این یکتایی را باید چون گوهری غنیمت شمرد نه عیبی که باید پنهان شود

سورئالیسمِ جذابیت

زیبایی زنان تپل از جنس زیباییِ متعارف نیست از جنسِ آن ناآرامیِ دل‌پذیر است که آشنایی‌زدگی را برهم می‌زند. در ادبیات و نقاشی همواره حجم و انبوهی تداعی‌گر مادرانگی، باروری و امنیت بوده است. نگاه که بر اندام یک زن تپل می‌افتد ناخودآگاه به دنبال خطوط نرم و گسترده‌ای می‌گردد که یادآور تپه‌ها، ابرها و میوه‌های رسیده است

این حس سورئال نیمه خیالی، نیمه واقعی در زنان لاغر یا عضلانی کمتر دیده می‌شود. جذابیت آنان نه در استخوان‌نمایی که در فراوانیِ بودن است اما فراتر از جسم باور دیرینه‌ای در فرهنگ عامه وجود دارد قلب زنان تپل بزرگتر است. چه این گفته از نظر فیزیولوژیک درست باشد یا نه تجربه نشان داده است که این زنان به دلیل مواجهه مستمر با طرد و قضاوت اغلب ظرفیت بالاتری برای همدلی، درک رنج دیگران و مهربانیِ بی‌چشم‌داشت پیدا می‌کنند. گویی فضای بیشتری در سینه دارند تا عشق را نه تنها دریافت که بی‌دریغ تقسیم کنند



در ایرانِ باستان: تپل بودن، نشانِ برکت و زیبایی

شاید باورنکردنی به نظر برسد اما روزگاری در همین سرزمین کهن ایرانِ پیش از مدرنیته زنی که تپل خوانده می‌شد مورد تحسین و رَشک بود. در اسطوره‌ها نگاره‌های باقی‌مانده از دوره هخامنشی و ساسانی و حتی اشعار عاشقانه، زنانِ فربه نماد فر، برکت، باروری و توانمندی بودند. سفالینه‌های به‌جا مانده از تمدن جیرفت و شوش الهه‌های مادر را با اندام‌هایی حجیم و پرحجم نشان می‌دهند. در ایران باستان اندام درشت یک زن نه تنها عیب نبود بلکه دلیلی بر سلامت، رفاه و خونِ خوب بودنِ او تلقی می‌شد. این نگاهِ اصیلِ ایرانی امروز در زیر گردوغبارِ مُدِ غربی و استانداردهای وارداتی دفن شده است. بازخوانی این میراث می‌تواند به زنان تپل امروز کمک کند تا ریشه‌هایی عمیق و کهن برای زیبایی خود بیابند

- رَشک: حسرت، غبطه

باورهای غلط پزشکی

یکی از رنج‌آورترین زخم‌هایی که بر پیکر زنان تپل می‌نشیند نگاه تقلیل‌گرایانه پزشکی و روان‌شناسیِ عامه‌پسند است
چاقی بیماری است، حتماً پرخوری می‌کند، باید لاغر شود تا سالم بماند. اما حقیقت این است که تپل بودن به خودیِ خود هیچ بیماری‌زا نیست
هزاران زن تپل با فشارخون و قند نرمال با قلبی سالم و روانی پویا زندگی می‌کنند. آنچه سلامت آنان را تهدید می‌کند
سبک زندگی آکنده از استرس، بی‌خوابی، کم‌تحرکی ناشی از افسردگی و از همه مهم‌تر طرد اجتماعی مزمن است. زنی که هر روز صدای
کمتر بخور، چرا ورزش نمی‌کنی و نگاه‌های سرد را تحمل می‌کند در معرض ترشح مداوم کورتیزول و التهاب پنهان قرار می‌گیرد
آرامش، پذیرش و درک شدن نه رژیم‌های طاقت‌فرسا کلید سلامت حقیقی او هستند. یک کلام محبت‌آمیز، یک آغوش بی‌قضاوت می‌تواند
معجونی شفابخش‌تر از هر داروی لاغری باشد

زخمِ طرد

بخش تلخ ماجرا این است که جامعه امروز ایران که زمانی تپل بودن را می‌ستود اکنون اغلب با زنان درشت‌اندام مانند یک شوخی رفتار می‌کند از اظهارنظرهای بی‌پرده در مهمانی‌ها گرفته تا نبود سایز مناسب در بوتیک‌های مُد، و از شوخی‌های جنسیت‌زده در فضای مجازی تا توصیه‌های دلسوزانه‌ی مسمومِ خانواده. بسیاری از این زنان به تدریج در لاک انزوا فرو می‌روند، از جمع‌ها کنار می‌کشند، آینه را برمی‌گردانند و لباس‌های مشکی و گشاد می‌پوشند تا دیده نشوند. افسردگی، اختلالات خوردن از پرخوری عصبی تا بی‌اشتهاییِ اجباری و اضطراب اجتماعی فرزندان ناخواسته این طرد هستند. وقت آن رسیده که بپذیریم این زن تپل نیست که بیمار است، بلکه نگاهی است که او را بیمار می‌کند

نتیجه‌گیری: به رسمیت شناختن بدون تخریب دیگری

این مقاله هرگز در صدد بی‌احترامی به زنان با اندام معمولی نیست. زیبایی آنان نیز قابل ستایش و ارزشمند است. تنوع، جوهره زیبایی شناسیِ حیات است. اما در این تنوع، سهم زنان تپل قرن‌هاست که به غارت رفته است. هدف ما ترجیح یک نوع بدن بر دیگری نیست، بلکه بازگرداندنِ حق دیده شدن به گونه‌ای از حضور است که به ناحق به حاشیه رانده شده. یک زن تپل با همان شکم و بازوهای پُر و ران‌های ستبر می‌توانست در ایران باستان الهه مادر لقب بگیرد. امروز نیز سزاوار احترام، عشق و فرصت‌های برابر است. اگر روزی جامعه بیاموزد که نگاه کردن به این زنان را بدون سرزنش و قضاوت تجربه کند شاید بسیاری از آنان از قفس انزوا بیرون بیایند و نشان دهند که قلب‌های بزرگشان واقعاً ظرفیت دوست‌داشتنِ جهان را دارد. باشد که این قلم آغازی باشد برای پایان‌دادن به این بی‌مهری دیرینه